رئیس دبیرخانه قطعنامه ۵۹۸ در گفت‌وگو با «جوان» از چند و چون پذیرش قطعنامه در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ می‌گوید

آتش جنگ کفر و اسلام با پذیرش قطعنامه خاموش نشد

■ احمد محمدتبریزی

آخرین سال جنگ که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت همراه شد در تاریخ کشورمان از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنان پس از گذشت ۳۰ سال از پذیرش قطعنامه در میان صاحبنظران و تحلیلگران نسبت به چرایی و دلایل پذیرش قطعنامه بحث و نظر وجود دارد. برای درک بهتر شرایط آن روزهای کشور و دلایلی که موجب پذیرش قطعنامه شد با حجت‌الاسلام دکتر محمدمهدی بهداروند، رئیس دبیرخانه قطعنامه ۵۹۸ به گفت‌وگو پرداختیم. بهداروند در گفت‌وگو با «جوان» قطعنامه ۵۹۸ را سند پیروزی ما در جنگ و از برکات دفاع مقدس می‌داند.

■■■

پیش از تصویب قطعنامه ۵۹۸، شورای امنیت قطعنامه‌های دیگری برای پایان دادن به جنگ صادر کرده بود. قطعنامه ۵۹۸ به لحاظ ماهوی و محتوایی با قطعنامه‌های پیشین چه تفاوت‌هایی داشت؟

پس از عملیات کربلای ۵ که موازنه قدرت به نفع جمهوری اسلامی تغییر کرد امریکا و اروپایی‌ها به این نتیجه رسیدند که صدام در موضع ضعف قرار گرفته و ایران در حال پیروز شدن است. به همین دلیل تئوری جنگِ بدون پیروز را در دستور کارشان قرار دادند و در شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ را صادر و در تیرماه ۱۳۶۶ به ایران و عراق اعلام کردند. آن زمان موازنه قدرت به سود ایران بود و ما قطعنامه را به صورت مسکوت گذاشتیم، یعنی نه جواب منفی دادیم و نه مثبت. یک سال گذشت و در تیر ماه ۱۳۶۷ با توجه به عقب‌نشینی‌هایی که در فاو، شلمچه و جزایر کردیم، مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی به این جمع‌بندی رسیدند که قطعنامه پذیرفته شود. خدمت امام رفتند و نامه‌هایی از نخست‌وزیر، فرمانده سپاه، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر ارشاد را به امام خمینی دادند. با توجه به این نامه‌ها و نظرات، امام در جمع‌بندی‌هایشان از نظرات قبلی‌شان برگشتند. ایشان ۱۵ روز قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در پیامی فرموده بودند امروز تردید در ادامه جنگ خیانت به خدا و رسول خداست اما بنا به مصالح کشور از نظر قبلی‌شان دست برداشتند و جام زهر را سر کشیدند و قطعنامه را پذیرفتند. باید توجه کرد که قطعنامه ۵۹۸ نسبت به قطعنامه‌های دیگر مزیت‌هایی داشت. مطالبات ما مثل شناخت متجاوز، بازگشت به مرزهای بین‌المللی و دادن غرامت در قطعنامه آمده بود. نکاتی که در هیچ کدام از قطعنامه‌های دیگر شورای امنیت وجود نداشت. نکته مثبت قطعنامه ۵۹۸ همین بود که شورای امنیت مطالبات ما را در قطعنامه گنجاند. شورای امنیت از اولین بیانیه و قطعنامه فقط بر آتش‌بس تأکید می‌کرد. یادم هست وقتی آقای سکوتوره که به ایران برای دیدار با امام خمینی آمده بود امام فرمود اگر همین الان عراقی‌ها به مرزهای خودشان بروند و شورای امنیت تجاوزشان را محکوم کند من صلح را قبول می‌کنم ولی آنها چنین چیزی را قبول نمی‌کردند.

آخرین سال جنگ و با توجه به قدرت گرفتن رژیم بعث راه دیگری پیش روی سیاسیون و مسئولان نظام قرار داشت؟

ما در برخورد با رویکردهای سیاسی‌مان بر اساس یک منطق و بر اساس آموزه‌های دینی‌مان حوادث را تحلیل می‌کنیم. الان می‌شنوم به راحتی به برخی مسئولان خائن می‌گویند که ما فردای قیامت باید جوابگو باشیم. این حرف‌ها فقط وحدت را از بین می‌برد. امام وقتی قطعنامه را پذیرفتند در پیام خود به حجاج فرمودند: و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.

بی‌شک امام آدمی نبود که بلوف سیاسی بزند و زمانی که می‌فرماید من به مسئولان آن زمان اعتماد دارم یعنی اینها خائن نیستند. امام اگر تشخیص بدهد کسی می‌خواهد خلاف جریان انقلاب حرکت کند تعارف نمی‌کند و او را کنار می‌گذارد. مثل برخوردهایی که با آیت‌الله منتظری و پسر آقامصطفی انجام داد. امام آدم سیاسی‌کاری نبود بلکه سیاستمداری بود که بر اساس شرع عمل می‌کرد اما در تصمیم‌گیری‌هایشان بر اساس موازین فقهی عمل می‌کرد. در بحث‌هایی مثل ورود به خاک عراق، مقاومت مردم و قبول قطعنامه امام سیاسی‌کاری نمی‌کند. من احساس می‌کنم وقتی امام لفظ جام زهر را به کار می‌برد به این معنا نیست که افرادی جام زهر را به امام دادند. امام اهداف و آرمانی مثل «جنگ، جنگ تا رفع فتنه» و «از راه کربلا به قدس برویم» داشت و تعبیرم این است چون به این اهداف نرسیدیم امام از قطعنامه با عنوان جام زهر یاد کرد.

اگر بخواهیم تحلیلی واقع‌گرایانه از حوادث تیر ۱۳۶۷ داشته باشیم، آیا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به سود منافع ملی کشورمان بود؟

قطعاً به سود منافع ملی بود. محور تحلیل را باید امام قرار دهیم. اگر به سود منافع ملی نبود که امام قطعنامه را نمی‌پذیرفت. ما حوادث را نباید فارغ از امام تحلیل کنیم. امام خمینی یک تحلیلگر سیاسی بسیار قوی بود و آینده را هم می‌دید. در روایت داریم: بترسید از فراست مؤمن! زیرا او با نور خداوند عزّ و جلّ می‌بیند.

بنابراین پذیرش صلح تنها به معنای تحمیل شرایط قهری جنگ بود و این امر نه به مقدورات طبیعی بلکه به مقدورات انسانی بازمی‌گشت که همواره در اندیشه دفاعی حضرت امام(ره) به عنوان تنها وزنه سنگین و تعیین‌کننده مطرح بوده است اما در عین آنکه ایشان پذیرش صلح را تحمیل نظرات دشمن در عرصه‌ای از نبرد با انقلاب اسلامی ارزیابی می‌کردند هیچ‌گاه معتقد نبودند که پایان جنگ هشت ساله به معنای پایان نبرد همه‌جانبه با دشمن در تمامی عرصه‌هاست. به تعبیر بهتر ایشان در یک عرصه به ختم جنگ رضایت دادند اما جبهه‌های جدیدی را در دیگر عرصه‌ها علیه دشمن باز کردند هرچند این عرصه‌ها دیگر از صبغه نظامی برخوردار نبود اما همچنان می‌توان زبانه‌های آتش نبرد میان کفر و اسلام را از این جبهه‌ها که در رأس آنها نبرد فرهنگی با دشمن است به وضوح دید. از نمونه‌های بارز این نوع نبرد با دشمن در ماه‌های آخر عمر شریف ایشان نامه به آقای گورباچف و قضیه سلمان رشدی است. بلافاصله پس از قطعنامه برای گورباچف نامه نوشت و حکم ارتداد سلمان رشدی را داد.

وضعیت عمومی و اقتصادی و سیاسی کشور در آخرین سال جنگ به چه شکل بود؟

در آن روزگار تلخ و بحرانی قیمت نفت‌مان بسیار پایین آمده بود و در یک محاصره اقتصادی شدید قرار گرفته بودیم که حتی سیم خاردار هم به ما نمی‌دادند. عدم وجود پشتیبانی مالی و ارزی برای ادامه جنگ وجود نداشت. محدودیت درآمد ارزی داشتیم زیرا ارزآوری ما فقط متکی به فروش نفت بود. ما صادرات دیگری به جز فروش نفت نداشتیم و در برابر همین تک‌فروشی، توطئه کاهش قیمت نفت مطرح شد. کاهش درآمد ارزی کشورمان بیش از حد برایمان مسئله‌ساز شد. همچنین ما سرمایه‌گذاری کلان در امور دفاعی و نظامی نمی‌کردیم و به بازار خارجی وابسته بودیم. محدودیت در خرید تسلیحات نظامی هم داشتیم. باز با وجود تمام مشکلات اقتصادی، من بزرگ‌ترین مشکل‌مان در جنگ را هماهنگ نبودن نظام اجرایی و نظام دفاعی می‌دانم. در عراق چنین چیزی نبود و نظام دفاعی و نظام اجرایی‌شان یکی بود. وزرای صدام هنگام ملاقات با صدام با لباس نظامی شرکت می‌کردند. وزارت کشاورزی، نیرو و... همه در جبهه‌ها مستقر شدند ولی برای ما چنین چیزی نبود. در ایران جنگ در رأس امور قرار نداشت. پشت جبهه و جبهه دو جای متفاوت بود. وقتی مجموعه عوامل را کنار هم می‌گذاریم یک سیر منطقی را می‌بینیم که مجبور شدیم قطعنامه را بپذیریم و راهی غیر از آن وجود نداشت.

آیا مواردی که در نامه مسئولان ذکر شده بود درست بود؟

مواردی مثل اینکه مردم به جبهه نمی‌آیند هرگز به معنای قهر مردم با جبهه نبود. در خاطرات حاج‌احمد خمینی خواندم که می‌گوید عملیات مرصاد که انجام شد و مردم فوج فوج به جبهه‌ها آمدند، با امام داشتیم تلویزیون نگاه می‌کردیم و جمعیت را می‌دیدیم. امام آنجا به فرزندش می‌فرماید: احمد اگر من می‌دانستم مردم چنین در صحنه هستند قطعنامه را قبول نمی‌کردم. نیامدن مردم به معنای قهر با نظام نبود. مردم به خاطر شرایط کاری و وضعیت جبهه در سال آخر جنگ، کمتر در جبهه حاضر می‌شدند. همچنین تفاوت بین جبهه و پشت جبهه این رویکردها را برایمان به وجود آورد. ما یک‌سری عوامل فرهنگی داشتیم که باعث شد قطعنامه پذیرفته شود. آن زمان عده‌ای از متدینین حتی برخی از علما و روحانیون دعا می‌کردند جنگ تمام شود. می‌گفتند خدایا این جنگ خانمانسوز را تمام کن. جنگ خانمانسوز نبود، بلکه تهذیب اجتماعی داشت. از لحاظ فرهنگی به این حقیقت نرسیدیم که جنگ باعث پیشرفت ماست. عده‌ای فکر می‌کردند ما بر اساس امکانات مادی و سخت‌افزاری می‌توانیم بر جهان پیروز شویم و امکانات را تعیین‌کننده می‌دانستند. یکی از دلایلی که همین نامه‌ها را نوشتند این بود که فکر می‌کردند امکانات سبب برتری ما در جنگ می‌شود ولی در طول جنگ که امکانات صدام بیشتر بود و هیچ‌گاه پیروز نشد. من معتقدم امکانات تعیین‌کننده نبوده و نیست. عامل تعیین‌کننده ایمان، اراده و جرأت مبارزه بود که رزمندگان با اتکا به آن در جبهه حاضر می‌شدند.

وضعیت سیاسی و بین‌المللی کشور را در آخرین سال جنگ چطور ارزیابی می‌کنید؟

در سال ۱۳۶۶ و از کربلای ۵ به بعد، کل جهان به یک اجماع جهانی رسید که جنگ را تمام کند تا جمهوری اسلامی پیروز نشود. قطعنامه و بیانیه‌های مختلفی آوردند و خیلی کار کردند. خاطرم هست شوروی با پافشاری امریکا در مورد تحریم فروش اسلحه به ایران موافقت کرده بود. به کشورهای بلوک شرق مثل کره شمالی توصیه کرده بودند به ایران اسلحه ندهید. یک جو تبلیغاتی علیه ایران راه انداختند که ایران کشوری جنگ‌طلب است و ببینید الان قطعنامه صلح آمده و قبول نمی‌کند. عراق هم از همین فرصت استفاده کرد و جنگ شهرها را راه انداخت و تهران، خوزستان و بسیاری از شهرها را با موشک و هواپیما زد. جنگ شیمیایی راه انداخت و هر کاری که دلش خواست، کرد. در ماه‌های بهار و تیر ۱۳۶۷ ابعاد ویرانی‌ها، میزان خسارات و نگرانی‌های مردم بیش از حد زیاد شده بود. جامعه بین‌الملل به دنبال بالا بردن پرچم عراق و اعلام پیروزی آنها بود که در آخر موفق به این کار نشد. با توجه به این موارد و کارشکنی‌ها، در سال آخر جنگ، امریکا به طور مستقیم وارد جنگ با ایران شد و به نوعی قصد تضعیف قوای نظامی ما را هم داشت.

در سال آخر، امریکایی‌ها حضوری گسترده در خلیج فارس پیدا کردند. شورای امنیت هم قطعنامه تحریم فروش اسلحه به ایران را به تصویب رساند. در طول جنگ قادر به خریداری یک فروند هواپیما هم نبودیم. در مقابل ما عراقی‌ها قرار داشتند که اگر یک تانک و هواپیمایش را می‌زدیم ۱۰ تانک و هواپیما جایگزینش می‌کردند. تمام دنیا در سال آخر جنگ با تمام قوا به دنبال تضعیف و شکست ما در جنگ بودند. کاری که در آخر موفق به انجامش نشدند. الان برکات و دستاوردهای قبول شدن قطعنامه را می‌فهمیم. الان از صدام خبری نیست. شما راهیان نور را نگاه کنید که مردم خاک جبهه را می‌بوسند و روی سرشان می‌گذارند ولی آن سمت هیچ‌کس از عراقی‌ها را نمی‌بینیم. اینها یعنی ما جنگ را نباختیم. ما از اول جنگ هم پیروز میدان بودیم. ما به دنبال جنگ نبودیم و دفاع کردیم. صدامی که می‌خواست سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران را بگیرد، شکست خورد و جایش ما وارد خاک عراق شدیم و فاو و جزایر را گرفتیم. قطعنامه ۵۹۸ سند پیروزی ما در جنگ است و گواهش جمله امام است که فرمود: جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.

> بی‌شک امام آدمی نبود که بلوف سیاسی بزند و زمانی که می‌فرماید من به مسئولان آن زمان اعتماد دارم یعنی اینها خائن نیستند. امام اگر تشخیص بدهد کسی می‌خواهد خلاف جریان انقلاب حرکت کند تعارف نمی‌کند و او را کنار می‌گذارد. مثل برخوردهایی که با آیت‌الله منتظری و پسر آقامصطفی انجام داد

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهید صادق یاری گلدره

حاج‌صادق ششمین شهید خانواده‌اش بود

■ زینب محمودی‌عالمی

شهید صادق یاری گلدره دومین شهید کرمانشاهی مدافع حرم بود که ۱۹ اسفند ۱۳۹۳ در تکریت عراق به شهادت رسید. این شهید که سابقه عضویت در سپاه بدر را داشت، خود پدر شهید بود و دو برادرش نیز از شهدای دفاع مقدس هستند.

فریده یاری همسر شهید در گفت‌وگو با «جوان» از زندگی حاج‌صادق می‌گوید: حاجی سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای انقلابی و مذهبی به دنیا آمد. در سنین کودکی دور از مهر مادری بزرگ شد و به نجف رفت. آن زمان برادر بزرگ‌تر شهید اعلامیه‌های امام خمینی(ره) را در عراق پخش می‌کرد که به گوش ایادی رژیم بعثی رسید و متوجه شدند این خانواده ایرانی‌الاصل تفکرات انقلابی دارند. لذا برادر همسرم را به طرز فجیعی به شهادت رساندند. حتی گفته می‌شد برای اینکه اثری از او نماند پیکرش را داخل چرخ گوشت انداخته‌اند.

حاج صادق یاری در دوران دفاع مقدس

> همسرم با شهادتش توانست جان ۱۵۰ نفر از همرزمانش را نجات دهد. یک کامیون پر از مواد منفجره توسط تکفیری‌ها برای یک عملیات انتحاری در حال حرکت به سمت محل استقرار مدافعان حرم بود که حاج‌صادق به محض اینکه متوجه نیت تروریست‌ها می‌شود، سوار بر خودروی خود با سرعت به سمت کامیون انتحاری حرکت و با آن برخورد می‌کند، کامیون منفجر می‌شود و ایشان به شهادت می‌رسد

همسر شهید ادامه می‌دهد: پدربزرگ همسرم اصالتاً اهل هرسین کرمانشاه بود، بنابراین خانواده را راهی کرمانشاه می‌کند. وقتی جنگ تحمیلی شروع شد، همسرم راننده آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم شد و با شکل‌گیری سپاه بدر در ایران به عضویت این سپاه درآمد. دو برادرش نیز در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

خانم یاری که در خصوص شهادت فرزندخوانده‌شان توسط نظامیان امریکایی می‌گوید: حاج‌صادق از همسر دیگرشان فرزندی به نام حیدر داشتند که ایشان در سال ۱۳۸۲ در حمله امریکا به عراق، به شهادت رسید. حاج‌صادق تمام عمر ۶۰ ساله‌اش را وقف اسلام کرد و ششمین شهید از خاندان یاری گلدره شد.

وی در خصوص نحوه شهادت همسرش بیان می‌دارد: همسرم در عملیات انتحاری تکفیری‌ها در تکریت به شهادتش رسید، اما توانست جان ۱۵۰ نفر از همرزمانش را نجات دهد. یک کامیون پر از مواد منفجره توسط تکفیری‌ها برای یک عملیات انتحاری در حال حرکت به سمت محل استقرار مدافعان حرم بود که حاج‌صادق به محض اینکه متوجه نیت تروریست‌ها می‌شود، سوار بر خودروی خود با سرعت به سمت کامیون انتحاری حرکت می‌کند و با برخورد با آن در منطقه‌ای دور از حضور رزمندگان، کامیون منفجر می‌شود و ایشان به شهادت می‌رسد. طبق وصیت شهید، بقایای پیکرش در وادی‌السلام نجف به خاک سپرده شد.

همسر شهید با اشاره به خدمات حاج‌صادق در کسوت پاسدار بیان می‌دارد: شهید یاری گلدره ۱۸ سال در سپاه ایران خدمت کرد و از زمانی که صدام به درک واصل شد به عراق رفت و در سپاه بدر عراق خدمت کرد. وقتی به شهادت رسید ۳۱ سال خدمت صادقانه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشت. در هشت سالی که صدام به خاک ایران هجوم آورده بود، همسرم در جبهه کردستان، سرپل ذهاب، اهواز و عملیات مختلف از جمله مرصاد حضور داشت.

وی در مورد حضور شهید در جبهه مقاومت نیز اظهار می‌دارد: وقتی بحث دفاع از حرم پیش آمد، سن و سالی از همسرم گذشته بود اما مانند حبیب ابن مظاهر به یاری امام حسین(ع) رفت.

همسر شهید می‌افزاید: شهید از کودکی خیلی سختی دیده و مادرش را از دست داده بود. مدتی هم در نجف کارگری می‌کرد. وقتی انقلاب پیروز شد صدام آنها را از عراق بیرون کرد و به ایران که وطن اصلی‌شان بود برگشتند. حاج‌صادق در عملیات کربلای ۵ همرزم شهید دقایقی بود. بیشتر مأموریت برون‌مرزی می‌رفت. می‌گفت تا آخرین قطره خونم را برای ایران می‌دهم تا این کشور امنیت داشته باشد.

همسر شهید در پایان می‌گوید: من ۶۰ سال دارم. سال‌هایی که با حاج‌صادق زندگی کردم او مرد جنگ بود و من مرد خانه. بچه‌ها را به سختی بزرگ کردم. می‌گویند به خانواده‌های شهدای مدافع حرم می‌رسند اما من الان در پایین شهر کرمانشاه در خانه ۵۰ متری زندگی می‌کنم که با ارث پدری‌ام خریدم. هنوز بنیاد شهید همسرم را به عنوان شهید قبول ندارد و سپاه همسرم را شهید می‌داند. تمام شهر کرمانشاه پر از عکس همسرم است. حتی استاندار و شهردار به خانه‌مان آمدند اما کاری نکردند. یک پسرم تحصیلات دکتری دارد و پسر دومم ۲۵ ساله و بیکار است. دختر دم بخت دارم که برای جهیزیه‌اش مشکل دارم. حقوق مستمری از کانون بازنشستگان سپاه می‌دهند که کفاف زندگی‌ام را نمی‌دهد. خواسته‌ام این است ما که شهید دادیم چرا تحت پوشش بنیاد شهید نیستیم؟ سال‌ها برای انقلاب اسلامی دفاع کردیم و الان درمانده‌ایم. شهید اسمش با خودش است، هر جا مظلومی وجود دارد جمهوری اسلامی ایران به دادش می‌رسد اما کسی به ما کمک نمی‌کند. من همسر شهیدم، خیلی زجر کشیدم. دور از انصاف است که در سال‌های پایانی عمرم هم زجر ببینم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۲۰

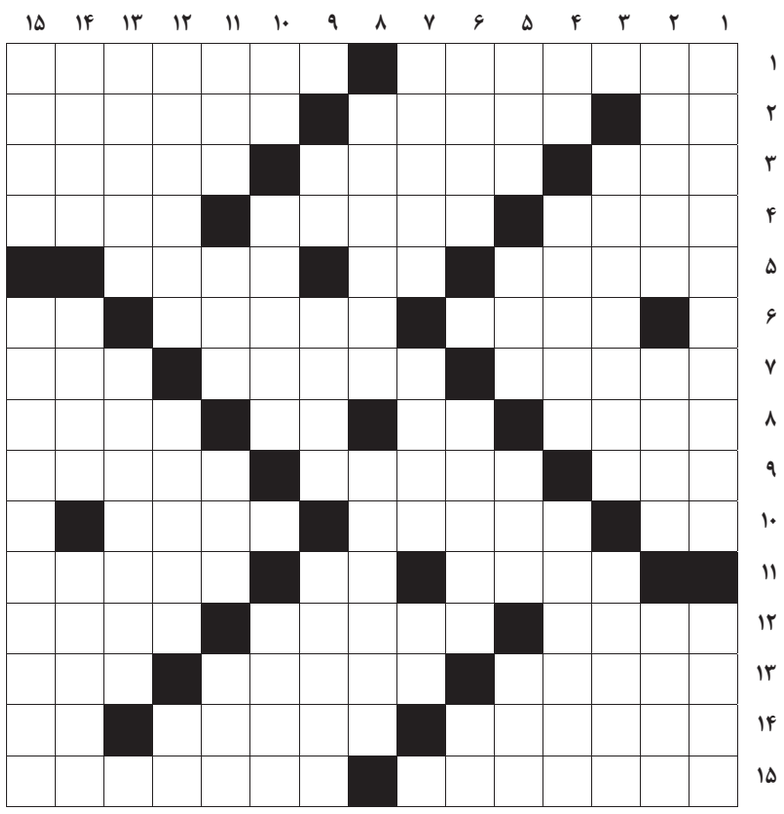

از راست به چپ

■ ۱- سرگروه تیم ورزشی- فیلم تلویزیونی ■ ۲- حرف نفرت- درست دانستن سخن یا عملی- زیبنده ■ ۳- رهبر کاتولیک‌مذهبان- گلایه- قابل لمس ■ ۴- باور قلبی- کوهی در اردبیل- معمولاً به انواعی از وبگاه‌ها گفته می‌شود که به تمام بازدیدکنندگانش اجازه ویرایش، افزودن، یا حذف مطالب را می‌دهد ■ ۵- شادباش گفتن- موضوع و مبحث- چشم ■ ۶- پهناور- پاک کردن- خشکی ■ ۷- از توابع بخش مرکزی رشت- پایتخت بحرین- همراه پس ■ ۸- سمت راست- خط کش مهندسی- علامت مصدر جعلی - کشوری در جنوب اروپا در مرکز دریای مدیترانه ■ ۹- باج و خراج- راننده ناو- زدوده و پاک شده ■ ۱۰- تلخ- قاره سبز- آفتاب‌پرست ■ ۱۱- روستایی که در دوران مبارزات میرزا کوچک پایگاه سیاستگذاران این نهضت بوده‌است- آب منجمد- بزرگ‌ترین غار باستانی ایران واقع در کردستان ■ ۱۲- برگه ثبت مشخصات- نامراد- خوشگذران ■ ۱۳- خواسته‌ها- ده ریال- خوب و خوش ■ ۱۴- فیلمنامه- تنظیم کلی موتور با دستگاه الکترونیکی - گاه ناتمام ■ ۱۵- ورزش پهلوانی- مزرعه برنج

از بالا به پایین

■ ۱- نظام سرمایه‌داری- حبیب خداست ■ ۲- اثر و نتیجه- سرشماری- هیئت مورد اعتماد همه ■ ۳- عروسکی چوبی که آرزوی تبدیل شدن به پسری واقعی را دارد- جلوی خانه ■ ۴- هنوز انگلیسی- ماه هفتم از ماه‌های سریانی- شروع ورزشی ■ ۵- دوست و یار- انجیر قرآنی- لطیف- زن یعقوب ■ ۶- اشعه مجهول- غرامت- تاکسی پرظرفیت ■ ۷- جانشینی- عارضه نزدیک‌بینی- اسب تبریزی ■ ۸- منطقه کوهستانی گیلان- اتحاد برای نخریدن یک کالا ■ ۹- حرف فاصله- زیارت‌کننده- ساکت و بی صدا ■ ۱۰- پژمرده و بی حال- پشیمانی- ماندگار ■ ۱۱- پراکنده ساختن دشمن- رها و آزاد- کشیدنی مضر در زندگی دیگران- نی نازک ■ ۱۲- شیرازی‌اش معروف‌تر است- نیکویی کننده برای رضای خدا- فوندانسیون ■ ۱۳- از نمازهای واجب- از مواد نفتی که در ساختن برخی از داروها و شمع‌سازی به کار می‌رود ■ ۱۴- تغار گلی- از روزنامه‌های چاپ برلین- جنگل خاص مناطق سردسیری روسیه ■ ۱۵- تشکر فرانسوی- شیرینی محلی گیلان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۴	۱	
۶	۸		۳					
			۵		۹			
		۷	۶		۸			
۴		۳						
						۷		۵
	۳	۶		۱				۷
				۸				۲
	۱			۲			۵	

جدول کلمات متقاطع
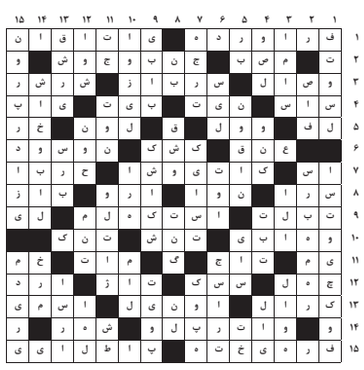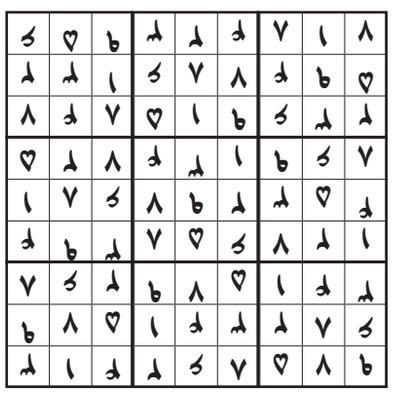
پاسخ جدول شماره ۵۴۱۹